



طلای بی‌زرق و برق



گل نخوریم



چطوری ایرانی؟!



شاه قند پهلو

سجاد اسماعیلی، یکی مثل ما  
که استعدادش شاد کردن دل دیگران است

## خداونده باش!



عکس: محمد سرمدی

بسم...

### قطار شادکامی



حسین شکیب‌راد  
دبیر «نوجوان»

هدفون را توی گوش مبارک فرو می‌کنی و صدای آهنگ مورد نظر را تا بیخ بالا می‌کشی که خدای ناکرده سایر اصوات موجود در فضا ذهن عزیزت را درگیر خودش نکنند و بتوانی یک دل سیر پای حزن‌انگیزترین ترک خواننده محبوب، های‌های گریه‌کنی و خالی شوی. تنهایی‌ات را بغل می‌کنی و اگر همین زمستان سرد و خشک باشد

پتو را روی سرت می‌کشی که حتی اکسیژن هم برای مشارکت در این اوقات خاص با تو؛ به زحمت بیفتد.

غصه‌هایت را یکی یکی می‌شمی و اجازه نمی‌دهی حتی یکی شان هم از قلم بیفتد و همین جور که از چشم و بینی و کم کم دهانت هم آب افتاده و نوک دماغت سرخ شده؛ با خودت فکر می‌کنی اینجا تا ته خط است.

جان من یک لحظه آن دکمه توقف را فشار بده...

آخیش! یک نفس راحت بکش از دست «من بدبخت‌مت!» هی دارد توی واژه‌های ترانه‌ای تلخ با موسیقی محزون دودستی بر

سرت می‌کوبد! می‌دانم بعید است بتوانی همه افکار را یکپو دور بیندازی. اصلاً تلاشی برای خوش کردن دل خودت نکن. توصیه من این است که بروی سراغ خوش کردن دل دیگران. این راهی است که تهش ختم می‌شود به دلخوشی خودت. از لیست آدم‌هایی که منتظرند به هر بهانه‌ای غصه بخورند و ناامید شوند بیا بیرون. به جمع کسانی پیوند که نه تنها برای خوش بودن دل خودشان تلاش می‌کنند؛ بلکه برای خنداندن و شاد کردن دیگران هم از هیچ کاری دریغ نمی‌کنند. لکوموتیوهایی که سعی می‌کنند همه را سوار قطار شادکامی کنند.